

خبرها

چهره‌های سینمایی بر دیوار گالری خانه کاریکاتور ایران

فارس : خانه کاریکاتور ایران اقدام به برپایی نمایشگاه کاریکاتور چهره، آثار مرتضی رخت اعلام کرده است. مرتضی رخت اعلام متولد سال ۱۳۶۰ و ساکن شهرستان بهشهر است که از کودکی به هنر نقاشی علاقه فراوانی داشته و از دو سال گذشته به طور جدی در زمینه کاریکاتور چهره فعال است. این نمایشگاه که شامل ۳۵ اثر با تکنیک‌های مختلف از چهره‌های معروف سینمایی و ورزشی است دومین نمایشگاه انفرادی رخت اعلام است.
علاقه‌مندان جهت بازدید می‌توانند از تاریخ ۵ الی ۱۳ اردیبهشت‌ماه سال جاری از ساعت ۹ الی ۱۷ به نشانی : خیابان شریعتی، تقاطع همت، خیابان گل‌بی غربی، بعد از میدان کتابی، شماره شصت مراجعه کنند.
مراسم افتتاحیه روز دوشنبه ۴ اردیبهشت از ساعت ۱۷ الی ۱۹ در محل خانه کاریکاتور ایران برگزار شد.

برای فراموشی جنگ

ایستنا : نمایشگاه عکس‌های مستند اجتماعی ساعد نیک‌ذات با عنوان «برای فراموشی جنگ» در اصفهان برگزار می‌شود. نیک‌ذات در نمایشگاهی که از ۳۰ فروردین به‌صورت مجازی به‌نمایش گذاشته، به‌زعم خود، نگاه گزینشی به وضعیت‌حال افغانستان داشته است. این نمایشگاه منتخب ۲۰ اثر از مجموعه عکس‌هایی است که در مزارشرف افغانستان تهیه شده است. او بخشی از این عکس‌ها را در مجله «عکس» منتشر کرده و قرار است به‌زودی برای نمایش به موزه هنرهای معاصر اصفهان نیز بررد. نیک‌ذات این پروژه عکاسی را در استان بلخ – شمال افغانستان– در فرصت‌هایی که زمان فیلمبرداری فیلم «آخرین ملکه زمین» به‌دست آورده، انجام داده است. نیک‌ذات گفت : «این عکس‌ها حاصل پروژه‌ای درازمدت بوده که بخشی از آن در سال ۸۱ در استان هرات انجام شده است. « موضوع سوزه این عکس‌ها، بعد از مرگ احمدشاه مسعود و حمله آمریکا به افغانستان شکل گرفته است؛ نیک‌ذات تاکید دارد که روحیه سازندگی مردم این کشور جنگ‌زده را به‌نمایش بگذارد. آثار این هنرمند عکاس و فیلمساز، ۱۲ تا اردیبهشت‌ماه جاری، در آدرس اینترنتی http://www.agahfilm.ir قابل دیدن است.

سر مجسمه ویلای قدیمی موسولینی به ایتالیا بازگشت

ایستنا : در سال ۱۹۸۳، سارگاتان سر مجسمه باستانی «دوینوسوس» را که در ویلای قدیمی موسولینی در رم نگهداری می‌شد، نکته‌نکه کردند و با کامیون با خود بردند. پس از آن، این مجسمه در یک موزه ژاپنی دیده شد و سپس در کاتالوگ حراجی کریستی، اما دو روز پیش، دولت ایتالیا مجسمه یادشده را در نیویورک تحویل گرفت. یک مقام سفارت ایتالیا در آمریکا این سر را که به بزرگی یک گریپ فوت است، تحویل گرفت. ریموند دیلیو، کلی –کمیسرپولیس نیویورک– و آنتونیو باندینی- عضو سفارت ایتالیا- طی جلسه‌ای در سفارت ایتالیا به گفت‌وگو در این‌باره پرداختند. کلی گفت: «از طرف پلیس نیویورک، از این‌که سر دوینوسوس را به شما برگردانم، بسیار خوشحالم، چراکه می‌خواهم اثری را به زادگاهش برگردانم. « باندینی نیز در این نشست به تلاش‌های اخیر دولت ایتالیا برای کشف آثار عتیقه به غارت رفته خود اشاره کرد. در ماه فوریه گذشته، موزه هنر متروپولیتن یک گلدان دوهزار و ۵۰۰ ساله یونانی را که گمان می‌رود در نوع خود بهترین اثر باشد، به‌همراه چند اثر دیگر به ایتالیا بازگرداند. مقامات ایتالیایی از مدت‌ها پیش گفته‌بودند، این گلدان از یک مقبره در نزدیکی رم دزدیده شده و از ایتالیا به‌صورت قاچاق خارج شده است. باندینی در این نشست گفت: «از این‌که می‌بینم به صادرات غیرقانونی آثار عتیقه‌بیش‌توجه می‌شود، بسیار خوشحالم. « داستان سر این مجسمه از این‌قرار است که در روز ۳۰ نوامبر سال ۱۹۸۳، این سر به‌همراه چند شیء دیگر از اصفیل‌های قدیمی ویلای تورلوتیو که ویلایی متعلق به قرن ۱۹ است، دزدیده شد؛ این ویلا پس از یک دوره مرمت، ماه گذشته به روی مردم باز شد. در آن زمان، دست کم ۱۰ قطعه دیگر از این ویلا دزدیده شد که شامل یک مجسمه مرمر از یک زن متعلق به قرن اول پیش از میلاد، یک مجسمه هرکول متعلق به قرن چهارم و یک سر مرمری از امپراتور کنستانتین بودند. سر دوینوسوس که به‌شدت آسیب دیده‌است، این حلقه گل دارد و متعلق به قرن اول میلادی است. این اثر، سیتامبر سال ۲۰۰۲ در حراجی کریستی دیده شد و قرار بود در روز ۱۲ دسامبر این سال به حراج گذارده شود، قیمت تخمینی‌اش نیز بین ۱۵ تا ۲۰ هزار دلار تعیین شده بود. حراجی کریستی پیش از فروش این اثر، اطلاعاتی دریافت کرد مبنی بر این‌که این سر احتمالاً دزدی است، بنابراین باید از لیست فروش حذف شود؛ کریستی پس از آن با پلیس تماس گرفت که منجر به شروع یک دوره تجسس طولانی شد.

نمایشگاه آثار ۱۱ نقاش در گالری کمال‌الدین بهزاد

مهر : یازده نقاش در گالری کمال‌الدین بهزاد پنجاه اثر نقاشی خود را به معرض نمایش عمومی می‌گذارند. گروه نقاشان «سروپاسین» روز شنبه نهم اردیبهشت‌ماه جاری در گالری کمال‌الدین بهزاد افتتاح می‌شود و به مدت یک هفته در این مکان ادامه می‌یابد. «احمدرضا آذر» و هنرجویانش، پنجاه اثر نقاشی خود را به معرض نمایش عموم گذاشته‌اند. «علی بهرامی»، «عباس شاهرخ»، «زهرارخمی»، «طیبه قاسمی‌اقدم»، «راضیه محمد حسینی»، «فاطمه فلاحی»، «فاطمه برجلو»، «فاطمه خرمی»، «مهدی مسلمی‌جاوید» و «مهدی تقی‌زاده» ازجمله هنرمندانی هستند که به سرپرستی استاد خود احمدرضا آذر به ارائه اثر در این نمایشگاه می‌پردازند. اغلب این نقاشان، دانش آموخته مرکز تخصصی هنر تجسمی سروپاسین هستند و با مباحنی و اصول هنر تجسمی آشنایی دارند و پس از آن که دوران آموزشی‌ی سپری کرده و با تجزیه و تحلیل آشنا شده‌اند، به عضویت گروه درآمده‌اند. همچنین این گروه کاملاً پایبند اصول و ساختار زیبایی‌شناسی بین‌المللی و هنر ایرانی و اسلامی است. تعدادی از این هنرمندان در کنار نقاشی به کار پژوهش و تجزیه و تحلیل آثار هنری ایران خصوصاً در بخش نگارگری مشغول هستند. این نمایشگاه گروهی، دومین نمایشگاه گروهی «سروپاسین» است که روز شنبه، نهم اردیبهشت‌ماه جاری در گالری کمال‌الدین بهزاد به معرض نمایش عموم گذاشته می‌شود.

موسیقی و تجسمی

هنر تصویری همراه با اندیشه هنر انتزاعی

گفت‌وگو با محسن احمدوند

یحیی تدین



باید بگویم به تاریخ کشورم علاقه زیادی دارم. در طول دوران تحصیل نیز در دانشگاه از عناصر امروزی در قالب ترکیب‌بندی‌های نگارگری ایرانی استفاده می‌کردم که کاملاً قالبی مدرن داشت و همیشه در پی کشف این جذابیت‌ها بودم چون احساس می‌کنم این فرهنگ کهن خود چنین قابلیت‌هایی را دارا است و وظیفه ما است که از فراموش شدن این گنجینه جلوگیری کنیم. البته در این راه تشویق‌های خانم ایران‌دخت محصص نیز خیلی به من کمک کرد تا راه درست را انتخاب کنم و کارهایی بدیع پدید آورم.

هذیان‌هایی از جنس محصص

حسن کریم‌زاده

دوچندان می‌شود که با عنصر رنگ درهم می‌آمیزد، چه به بهانه حضور یک کشف‌دوزک باشد و چه در قالب هندوانه‌های معلق در هوا. اما این زیبایی بصری را می‌توان ترفند احمدوند به شمار آورد؛ او مخاطبش را با همین عناصر چشم‌نواز میکوبک کرده و معجون تلخی و پلیدی‌ها را به خوردش می‌دهد. ترکیب‌بندی‌های ساده و ستنی از ویژگی کارهای او است. در پس همین سادگی پیش می‌آید که سرت را برمی‌گردانی و تازه متوجه می‌شوی که عنصری را در تابلوی قبلی ندیده‌ای، شاید چنگال عقابی باشد پنهان در پشت اندام یک مرد یا صورتکی متفاوت در پس صورت یک زن. همین شیطنت‌ها است که مجبورت می‌کند بارها و بارها کارهایش را مرور کنی. احمدوند، چنان ماهرانه از عهده مونتاژهایش برمی‌آید که گویی باورث می‌شود باید غیر از این نمی‌پرد. در یکی از همین مونتاژها، چهره‌ای را می‌بینیم که دارای دو گوش در طرفین سر و یک گوش در بالا است و در کنار این گوش، زاغکی نیز در لابه‌لای موها به آسمان خیره شده است. در طرحی، یک سر سگ- با پوششی از پارچه با طرح بال‌های کفش‌دوزک- بر اندام انسانی با قدمت مینیاتورهای ایرانی شاهدیم و در طرح دیگر، باز سر یک مرد با هویت مردمان ساحل‌نشین جنوبی را با نقش برجسته‌ای از دوران هخامنشی ادغام کرده و این تلفیق را بر روی تنه‌ای نیمه‌برهنه با شلوار جین نشانده

■ در آثار شما رگه‌هایی از طنز سیاه وجود دارد که مرا به یاد آثار اردشیر محصص می‌اندازد. آیا خود شما این قرابت و نزدیکی را قبول دارید؟

از لحاظ محتوایی بله. لازم می‌دانم به این نکته اشاره کنم که برای کسانی که همفکر هستند محتواها یکی است ولی شکل ارائه آثار متفاوت است و همین امتیاز کار را مشخص می‌کند. تمام هنرمندان همفکر، شباهت‌های مضمونی با یکدیگر دارند زیرا واقعیات را می‌بینند و تلخی‌های آن را به نمایش می‌گذارند و در آرزوی بهبود اوضاع هستند و این گونه است که جریانی به‌وجود می‌آید و در تاریخ هنر ثبت می‌شود.

■ در کارهای شما گاهی بر می‌خوریم با شخصیت‌هایی که دفرمه شده‌اند یا به قول بعضی‌ها بازگونه شده‌اند همین‌طور تصاویری که مثله شده‌اند اینها با سبک شما همخوانی دارد. خطوط تقریباً بدون هاشور با قلم فلزی و مرکب به زشتی‌های دنیا چیزهای تازه‌ای نیز افزوده است. این نیروهای مختلف از کجا سر درمی‌آورند؟ من فکر می‌کنم خود شما در سئوالتان پاسخ را گفتید. مسلماً از زشتی‌ها می‌آیند و این زشتی‌ها مخصوصاً در جغرافیایی که ما زندگی می‌کنیم بسیار زیاد است و عجیب است که نمایش این زشتی‌ها برای مخاطب طبیعی بوده و مخاطب احساسی مشترک با طرح‌ها پیدا می‌کند. البته در وجود او پرسش‌های بسیاری نیز به‌وجود می‌آید، مثل اینکه از خود پرسید که این زشتی‌ها از کجا آمده‌اند که او آنها را می‌بیند و می‌فهمد و از چه طریق می‌تواند از آنها رهایی یابد. ■ زمانی که طراحی می‌کنید آیا سناریویی از قبل آماده دارید؛ نکته‌های روزنامه، عکس‌های قدیمی و یا رویایی که شب‌ها به سراغ شما می‌آید؟ آیا این چیزها را در نظر می‌گیرید؟

تمام مواردی که شما اشاره کردید قبل از طراحی وجود دارند مخصوصاً «رویا» نقش بسزایی در آفرینش این «سناریو» دارد و طرح‌ها براساس ذهن و این داده‌ها به‌طور غیرمنتظره‌ای به‌وجود می‌آیند بدون اتود قبلی و مستقیماً به مرحله اجرا می‌رسد و گهگاه پیش می‌آید که ذهنیت من در طول مدت طراحی دستخوش تغییراتی می‌شود که برای خود من هم جذاب‌اند.

■ بعضی از کارهای شما شخصیت‌هایی را نشان می‌دهند که دو چهره دارند؛ چهره‌ای شوخ، چهره‌ای جدی یا ترسناک. تقابل این چهره‌ها از چه ناشی می‌شوند؟ این دوچهرگی را می‌توانم در محیط حس‌کنم و به چشم ببینم و به نمایش بگذارم. زیرا تعهدی نسبت به هنر دارم که بار سنگینی آن را سوزده‌ها می‌کشند.

است. هرچند این سربریدن‌ها در عرصه هنرهای تجسمی کار ناشناختنی نیست اما جسارت خیالی‌شان را در بیان زشتی‌ها آن‌ها هم با این روش که ممکن بود برای مخاطب دافعه داشته باشد اثبات می‌کنند. این مشله‌کردن‌ها را اردشیر به وفور انجام می‌داد و می‌گفت: «درست است که من سر یا دم کاراکترهایم را قطع می‌کنم اما حاضر نیستم هیچ یک از اعضای بدن خودم را از دست بدهم. این به خاطر نوعی دلخوژی و ترحم است که من کله بعضی از کاراکترهایم را قطع می‌کنم. مقایسه من با روبیسپر عادلانه نیست گرچه او نیز چون من اهل شمال بود؛ روبیسپر سهرایی را که اساساً تهی بود، قطع می‌کرد. من سهرایی را می‌برم که به خاطر سنگینی بیش از حد نمی‌توان راست نگاه‌شان داشت.»^۲

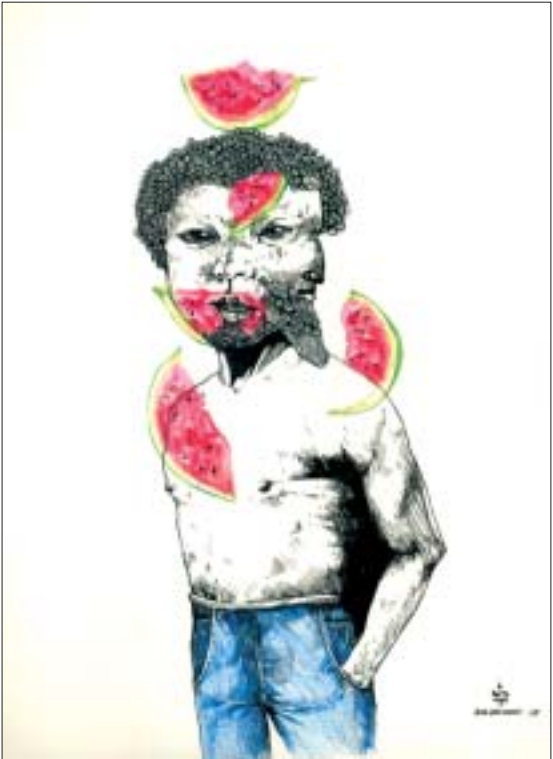
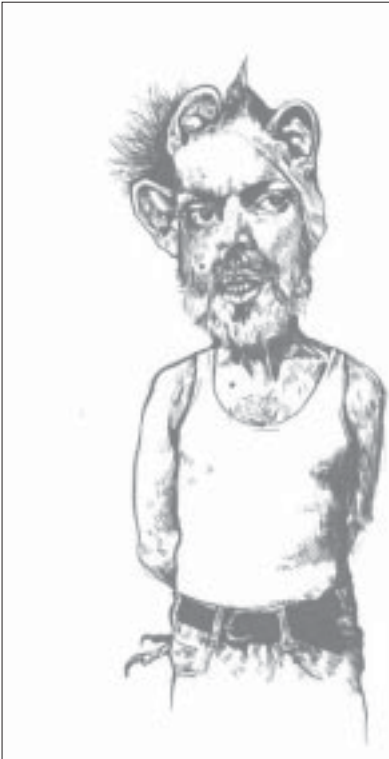
مدت‌ها بود لحنی از این جنس نشنیده و لذتی از این دست نبرده بودم که با دیدن نمایشگاه محسن احمدوند- هنرمند ۲۵ساله- به آن دست یافتم.

او عامدانه و عاشقانه، طنزهای سیاه اردشیر محصص را سرمشق کارهایش قرار داده، حتی در این راه از راهنمایی‌های «ایران‌دخت محصص» نیز سود برده است، اما نبایست این نکته را فراموش‌کند که اردشیر طی چندین دهه فعالیت خود، خلوص طرح‌ها و ایده‌هایش را به گوشه‌چشمی و به‌به و چه‌چه‌های این و آن نفروخت. پی‌نوشت‌ها:

۱- مجله گرافیس/ شماره ۱۵۶/ ۱۹۷۲

۲- انتشارات توس/ ۱۳۵۲

۳- از متن پشت جلد کتاب «طرح‌های آزاد»/ نشر کتاب نمونه/ ۱۳۵۳



سال سوم ■ شماره ۷۴۴ شرق

گالری گردی □

روایت زندگی

هلیا قاضی میرسعید



مژگان زارع متولد ۱۳۴۴ و فارغ التحصیل رشته پزشکی و متخصص رادیولوژی است. نقاشی را از سال ۶۹ آغاز می‌کند. در حدود ۱۱ سال آبرنگ کار می‌کند. ولی در نهایت آبرنگ را کنار گذاشته و سبک آکنه را برمی‌گزیند. در ۱۵ نمایشگاه گروهی شرکت داشته و با اینکه به گفته خودش اهل مسابقه نیست در مسابقه اکسپوی چین جایزه نقره را کسب می‌کند. این دومین نمایشگاه انفرادی او است. روی بعضی از نقاشی‌ها جملات ناخوانایی نوشته شده است. زارع توضیح می‌دهد: «ناخوانا بودن نوشته‌ها به این دلیل است که خودم هم نمی‌دانم چه نوشته‌ام. چون این حروف و کلمات از ناخودآگاه من سرچشمه گرفته شده و با فارسی نوشتن بر روی کارهایم می‌خواستم ملیت ایرانی خود را نشان بدهم.» آثار او بیشتر تلفیقی از رشته پزشکی و نقاشی است. در واقع ایده اولیه از بدن انسان گرفته شده است که در تلفیق با ذهنیت‌های خود او به صورت آبستره درآمده است: «نقاشی برای من در حکم دیازپام است. من با نقاشی به نوعی خودم را تخلیه می‌کنم.» او روی آثارش نامی نمی‌گذارد اما یکی از آنها را که بیشتر از همه دوست دارد روایت زندگی می‌نامد. به گفته خودش زمینه این کار نورون‌های عصبی است. نسخه‌ای روی یکی از نقاشی‌ها خودنمایی می‌کند که مهر نظام‌پزشکی مژگان زارع را هم یک می‌کشد. نسخه‌ای شامل کلیه داروهای آرام‌بخش که معلوم نیست برای چه کسی تجویز شده است. این نمایشگاه تا تاریخ هفتم اردیبهشت‌ماه در گالری گلستان برپاست.

■ نقاشی‌های نقاش نامدار



شنیده بودم مسعود عربشاهی هنرمند نامدار معاصر که بیش از چهل دهه به کار نقاشی مشغول است در گالری ماه نمایشگاهی از آثار خود برپا کرده است. روز افتتاحیه در آنجا حاضر شدم. گالری مملو بود از کسانی که برای دیدن آثار او آمده بودند. نقاشی‌ها در ابعاد کوچک و بزرگ با اشکال هندسی و رنگ‌های متنوع در گوشه و کنار تالارها خودنمایی می‌کردند. یکی از بازدیدکنندگان به نام خسروی که خودش کارهای حجمی انجام می‌دهد، می‌گوید: «عربشاهی به خاطر علاقه‌ای که به منطق دارد در کارهایش از دایره و بیضی استفاده می‌کند. ولی متأسفانه از زمانی که هنر برای هنر مطرح شد هرکسی هنرکاری که می‌خواهد انجام می‌دهد. البته در طرح‌های انتزاعی و آبستره می‌توان ناگفته‌ها را به نوعی بازگو کرد و این تشنگ است اما در صورتی که بیننده بتواند مانند یک معما آن را حل کند و به جواب برسد.» به سراغ عربشاهی رفتم و از او خواستم تا با هم پرامون آثارش چند کلمه‌ای صحبت کنیم که از مصاحبه امتناع کرد. به ناچار به سراغ بازدیدکنندگان رفتم و نظر آنها را درباره نقاشی‌ها جویا شدم. خانمی گفت: «من از نقاشی سر در نمی‌آورم و چون آقای عربشاهی از آشنایان ما هستند می‌انجامد.» دیگری هم می‌گفت: «هرچه بیشتر نگاه می‌کنم کمتر می‌فهمم.» این نمایشگاه تا ۱۹ اردیبهشت ادامه دارد. به آنجا سری بزنید و درباره نقاشی‌ها، خودتان قضاوت کنید.

■ صلح جهانی



این روزها در فرهنگسرای نیاوران نمایشگاهی گروهی با موضوع صلح جهانی برپا شده که در آن ۱۱۷ اثر با سبک رئال و آبستره به نمایش درآمده است. انگیزه برگزاری این نمایشگاه معرفی (NGO) دفاع شهری نوین ایران و اتصال هنر به وضعیت جامعه یا سخن گفتن از طریق هنر در مورد تحولات اجتماعی است. هما ناصری بنیانگذار انجمن و رئیس هیات‌مدیره می‌گوید: «در آذرماه سال ۱۳۸۴ فراخوانی در راستای حمایت، از معنویت آرامش، عشق و دوستی در جهان برای انجمن نقاشان در تهران که ۴۰۰ عضو دارد فرستاده شد و قرار شد نقاشی‌ها دربرگیرنده موضوعاتی چون: جهان بدون جنگ، اتحاد جهانی ملت‌ها برای صلح، عیسی پیامبر صلح، مریم بانوی مقدس و آخرین موضوع بیابید از طریق نقاشی برای هم پیام صلح بفرستیم که از اهداف اصلی برگزاری نمایشگاه بوده، باشد.» ابتدا قرار بود این نمایشگاه در دی ماه و همزمان با آغاز سال نو میلادی برگزار شود تا به کسانی که به افغانستان و عراق یورش می‌برند یادآوری‌کند که پیامبرشان عیسی پیام‌آور صلح و دوستی بوده است. ناصری نقاشی مریم خسروی را که تمامی نژادها را در زیر یک چتر نشان می‌دهد یکی از بهترین آثار معرفی می‌کند. این نمایشگاه تا ۱۵ اردیبهشت از ساعت ۹ تا ۱۹ برای بازدید علاقه‌مندان دایر است.